

نگاه افغانستان، کشور تضادها

محمدعارف فصیحی‌دولت‌شاهی

● آنچه در این نوشتار خواهید خواند، تقویت و تأیید این فرضیه است که «افغانستان کشور جامع تضاد و رفتارهای مملو از تضادهاست». تقویت این فرضیه با توجه به مسائل و واقعیت‌های کشور افغانستان ازجمله تحلیف عبدالله عبدالله و محمد اشرف غنی برای تصدی مقام ریاست‌جمهوری در جغرافیای سیاسی به نام افغانستان است. اگر بهترین دلیل بر محال‌نبودن یک امر اجتماعی و سیاسی از نظر فلسفی و تجربی وقوع و پیدایش آن امر باشد، در این کشور بارها و بارها جمع تضاد ممکن شده است. این مسئله نشان می‌دهد که افغانستان سرزمین جامع تضاد است. مطالعات جامعه‌شناختی حاکی از این امر است، که افغانستان کشوری منحصربه‌فرد و دارای سیاست، جامعه و فرهنگ خاص است. که ویژگی ذاتی‌اش «جامع تضاد»یون‌است. برگزاری مراسم تحلیف عبدالله و محمد اشرف غنی به‌عنوان کاندیداهایی که هر دو ادعای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری را دارند، در یک روز و آن هم در یک زمان حاکی از این مسئله نیست و گروه‌های انتخاباتی تفکر محاسباتی ندارند و تقسیم بر دو کردن یک پست ریاست‌جمهوری غلط است و حاکی از مسئله تجربه‌شده جمع تضاد در این کشور است. همان‌گونه که به صورت تجربی اجتماع مثلین از قبیل تکوین و تأسیس حکومت اندیوالسی (جناحی- قومی)، همایش سنگین و گسترده گروه‌های افراطی و فراسرزمینی مانند القاعده و داعش که براساس قاعده فلسفی سنخیت علت انضمام است، صورت گرفته است و با پشتوانه ادبیات فولکلوریک، «دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید» و «کوتور تا کیوتور، باز با باز» را در این کشور شاهد هستیم.برای «جمع تضاد» نیز می‌توان نمونه‌های زیادی یافت که در قالب تئوری «یا تخت تا تابوت»، و «یا ارگ یا مرگ» اتفاق افتاده است. درباره اجتماع ضدین در این کشور آن‌قدر نمونه و مثال واقعی موجود است که به گفته مولوی: گر بگویم شرح آن بی حد شود/ مثنوی هفتاد من کاغذ شود. برگزارشدن مراسم تحلیف در ارگ ریاست‌جمهوری و سپیدار با هویت و آدرس‌های متضاد از سوی دو شخصی که هیچ نقطه مشترکی از لحاظ کاراکتر، ایدئولوژی، پایگاه اجتماعی، روش و نوع حکومت‌داری ندارد (فرهنگ قبیله‌ای و شهری، فن‌سالار و معصیت‌تباری، رشته تحصیلی)، مثال خوبی برای جامع تضاد بودن سیاست و حکومت در این کشور است. عنصر چندحکومتی آن هم با خواسته‌های متضاد قومی- ایدئولوژی‌نشان می‌دهد که افغانستان به معنای واقعی کلمه کشوری است که جامع تضاد و تضادهاست. اگر اجتماع مثلین در قالب دولت یکدست و همسو و برخی از کشورها، صلح، توسعه و امنیت را برای به ارمانگ آورده است، جمعیت تضاد در برخی کشورها مثل لبنان، هند و… باعث رقابت مثبت و سازنده شده است؛ اما در افغانستان نه حکومت یکدست و تک‌قومی راهی به سوی عزت و آبادانی هموار کرد و نه سنتز اجتماع ضدین توانست مردم را به توسعه و آزادی رهنمون شود. اگر نتیجه اجتماع مثلین، حکومت تک قومی، باعث تاخر علمی، حکومت ضعیف و ناکارآمد بوده است، اجتماع ضدین، فقدان انسجام اجتماعی و سیاسی و نبود وفاق بر یک ایدئولوژی سازمان‌دهنده دولت باعث تباهی ملت و کشور شده است. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته جمع تضاد تسکین‌ی برای ترقی بوده و میوه شیرینی را تقدیم مردمش کرده است؛ اما این تضاد در افغانستان به حنظل تبدیل شده و کام همگان را تلخ کرده است. براساس قاعده الکترسیسته از اصطکاک سسیم مثبت و منفی برق تولید شده و جامعه را به سمت روشنایی حرکت می‌دهد؛ اما در افغانستان برق، تاریکی را هدیه داده و اصطکاک گرانش‌های سیاسی مثبت و منفی باعث فرسایش قدرت در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.
«استاد دانشگاه غالب هرات

و نگذارید دیرتر شود.

ویروس کرونا امروز به کلیدوازه تمام اتفاقاتی تبدیل شده است که در جهان شاهد آن هستیم. همه‌گیری جهانی کرونا، بعد از تشدید تنش‌های تجاری و نظامی بین آمریکا و چین و به‌ویژه شکل‌گیری جنگ تعرفه‌ها در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، جنگ روانی بین دولت‌های جهانی را تشدید کرده است؛ اما این جنگ روانی فقط مربوط به رویرویی واشنگتن با پکن نمی‌شود؛ بلکه سران ایالات متحده به رهبری دونالد ترامپ در تلاش‌اند که از شرایط جدید جهانی به نفع خود بهره ببرند. این‌زاین‌رو است که در بحبوحه اتفاقات دیگری که هم‌زمان با انتشار کووید-۱۹ در همه کشورهای جهان در حال وقوع است، «دستور پنتاگون درباره بررسی تلاش‌ها در عراق و هشدار مقامات عالی‌رتبه این نهاد به فرماندهان مستقر در این کشور» به تیرت نخست رسانه‌های جهانی تبدیل می‌شود.

پنتاگون هفته گذشته با صدور بخش‌نامه‌ای از نیروهای خود در عراق خواسته تا کمپینی برای نابودی گروه‌های نظامی مورد حمایت ایران آماده کنند؛ نیروهایی که به عقیده مقامات واشنگتن تهدیدشان علیه نیروهای آمریکایی رو به افزایش است؛ اما هم‌زمان سربازان آمریکایی با چنین کمپینی هدف دیگری را هم پیگیری می‌کنند: قیمت نفت و گاز که با چنین کمپینی سر به فلک خواهد گذاشت. اگر بخواهیم رویکرد آمریکا را به کشورهای خاورمیانه و بهره‌برداري آن از درگیری‌ها در این کشورها بهتر توضیح دهیم، می‌توانیم به صحبت ژنرال اتونوی زینی، فرمانده سابق مرکز فرماندهی آمریکا، اشاره کنیم که می‌گوید «آمریکا اگر عراق و افغانستان را دوست داشت، قطعاً عاشق ایران می‌شود». این جمله به این معناست که به‌عنوان مثال اگر آمریکایی‌ها توانستند از تنش‌ها در عراق و افغانستان ۵۰ درصد بهره‌برداري کنند، از تنش‌های مشابهی با ایران می‌توانند تا ۸۰ درصد منفعت کسب کنند.

ادامه‌بی‌ثباتی در خاورمیانه

در اینجا سؤالی پیش می‌آید: در گیرودار یک بیماری همه‌گیر جهانی چه افرادی خطر چنین جنگی را به جان می‌خرند؟ دونالد ترامپ، مایک پمپئو، وزیر خارجه‌اش و رابرت اوبریان، مشاور امنیت ملی دولت او، افرادی هستند که از نظر تحلیلگران مسائل بین‌المللی حاضرند هم‌زمان با تجربه یک بحران جهانی دست به چنین اقدامی بزنند. آن‌طور که نیویورک‌تایمز در گزارش خود نوشته است، این سه نفر «به دنبال اقدامات تهاجمی بیشتری علیه کشورهای خاورمیانه مانند ایران و نیروهای تحت حمایت آنان هستند و تلاش دارند از فرصتی که کرونا ایجاد کرده است، برای نابودی گروه‌های شبه‌نظامی استفاده کنند؛ چراکه درحال‌حاضر بیشتر قوای حکومت ایران درگیر کنترل بحران کرونا هستند»؛ اما آنها نادیده گرفته‌اند که در چنین وضعیتی هر اقدام تهاجمی علیه ایران صرفاً تحریک ایران نیست؛ بلکه تحریک جامعه جهانی است که تا همین‌جا هم علیه آمریکا و تحریم‌هایش علیه ایران متحد شده‌اند.

شاید اروپایی‌ها در شرایط فعلی واکنش چندانی به شاخ‌وشوئانه‌کشیدن آمریکایی‌ها نشان ندهند؛ اما وقتی احتمال بروز تنش امنیتی و بحران امنیتی به تبع آن افزایش یابد، همین کشورها که اکنون به‌شدت درگیر ماجرای کرونا هستند، ی‌ای‌شان به این زمین باز می‌شود و آنجاست که مجبور خواهند شد برای اولین بار پس از

جهان

ایالات متحده از کووید-۱۹ برای ایجاد تنش‌های بیشتر سوءاستفاده می‌کند

کرونا، پوششی برای جنگ تمام‌عیار



تحركات مشکوک نظامی ایالات متحده در عراق

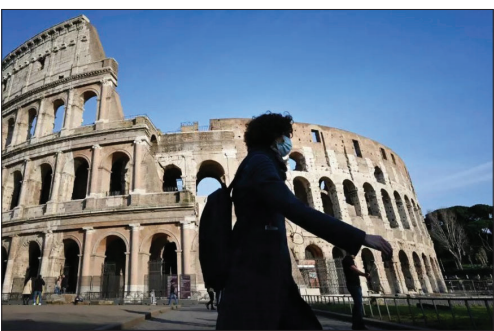
از آغاز سال نو میلادی همه اتفاق‌ها در عراق مبهم و شک‌برانگیز است؛ آن‌هم در کشوری که دولتش بعد از اعتراضات گسترده و بی‌وقفه مردمی همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برد و چشم‌اندازی برای تشکیل دولت جدید بغداد نیز وجود ندارد؛ اما در چند روز گذشته تحركات در این کشور به نقطه اوج خود رسیده است. دقیقاً یک روز بعد از آنکه فاش شد آمریکا سامانه دفاع موشکی پاتریوت را در پایگاه نظامی‌اش در اربیل و پایگاه‌عین‌الاسد در استان الانبار عراق مستقر کرده است، رسانه‌ها خبر از حمله موشکی به این دو پایگاه می‌دهند. به گفته منابع امنیتی، منطقه نزدیک به پایگاه نظامی عین‌الاسد با موشک‌های کاتیوشا هدف قرار گرفت؛ اما این حملات موشکی با سامانه پاتریوت آمریکا رهگیری شد و خسارت جانی یا مادی در پی نداشت. نصب سامانه پاتریوت در عین‌الاسد چند ماه پس از آن روی می‌دهد که این پایگاه در واکنش به اقدام توریستی دولت واشگتن مبنی بر ترور فرمانده سپاه قدس، هدف ۱۳ فروند موشک بالستیک سیاه‌اسدبان قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مذاکرات آمریکا با دولت عراق بر سر استقرار این پادفند هوایی بعد از ترور فرمانده سپاه قدس آغاز شده بود؛ اما هنوز روشن نیست که آیا استقرار سامانه دفاعی پاتریوت با توافق دولت عراق صورت گرفته یا آمریکا مستقل دست به این اقدام زده است. به نوشته این خبرگزاری، استقرار پادفند هوایی پاتریوت با توجه به تنش موجود بین ایران و آمریکا می‌تواند اقدامی تحریک‌آمیز علیه ایران تلقی شود و به‌همین‌دلیل عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر موقت عراق، به واشگتن هشدار می‌دهد که بدون اجازه بغداد نباید از خاک این کشور بار دیگر علیه کشور سومی استفاده شوند.اما این همه ماجرا نیست. از سه‌شنبه‌شب، پرواز انواع هواپیماهای جنگنده و شناسایی با سرنشین و بدون سرنشین آمریکا در آسمان عراق افزایش یافته است؛ آن‌هم در شرایطی که روز گذشته ضرب‌الاجل گروه‌های مقاومت عراق به آمریکا برای اجرای قانون خروج نیروهای نظامی خارجی از عراق به روز یابانی خود رسید. به گفته تحلیلگران منطقه‌ای، افزایش پروازهای نظامی آمریکا در آسمان عراق هرچند می‌تواند تنها مانوری از سوی آمریکا برای به‌رخ‌کشیدن آمادگی‌اش برای هرگونه اقدام نظامی در این کشور باشد؛ اما نمی‌توان از اهمیت این موضوع نیز غافل شد که ایالات متحده در اندیشه به‌دست‌گرفتن نبض سیاسی بغداد است. روز شنبه، روزنامه واشگتن‌پست در گزارشی می‌نویسد «نیروهای حامی ایران در عراق و منطقه به حمله به نیروهای آمریکایی‌بی‌پرواثر شده‌اند و حملات راکتی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق بیشتر و حتی برای اولین بار در روز روشن انجام شده است.» به‌این‌ترتیب با معیارهای خود دولت آمریکا همان‌طور که مت داس، مشاور سیاست خارجی برنی سندرز، سناتور و نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا، توییت کرده است، هدفی که مقامات آمریکا از ترور سردار سلیمانی داشتند «محقق نشده است؛ اما با توجه به منطق توصیف‌ناپذیر سیاست فشار حداکتری تنها پاسخ دولت فعلی آمریکا به شرایط موجود همیشه فشار بیشتر و تنش بیشتر است.» فشار و تنش بیشتر احتمالاً همان چیزی است که فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در عراق تلاش دارد درباره آن هشدار دهد؛ اما به نظر نمی‌رسد ترامپ و مشاورانش اساساً توجیهی به پیامدهای داخلی چنین تنش‌هایی داشته باشند.

جنگ‌های جهانی در کنار ایران و احتمالاً جبهه شرقی با حضور روسیه قرار بگیرند. دراین‌میان مانند همیشه فرماندهان نظامی آمریکا در مقایسه با رهبران غیرنظامی این کشور تمایل کمتری به یک انفجار جدید در خاورمیانه دارند. نیویورک‌تایمز در گزارش خود آورده است

فرماندهان نظامی ازجمله مارک اسپر، وزیر دفاع و ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، درباره یک

آیا اتحادیه اروپا باز ایالتی‌را در بحران رهاکرد

روسیه و چین در کنار رُم



این باور است که اگر این اتحادیه نتواند توانایی خود را برای انجام این مسئولیت نشان دهد، تمام اروپا ممکن است فلسفه وجودی‌اش را در نزد شهروندانش از دست بدهد.

کلودیا مانورا، روزنامه‌نگار ایتالیایی، نیز در مقاله‌ای برای tiscali news نوشت، «ما در حال جنگ با کووید-۱۹ هستیم و همه با یک دشمن واحد می‌جنگیم. کسانی هستند که از جنگ فرار می‌کنند و زخمی‌ها را در میدان می‌گذارند». او در ادامه می‌نویسد کشورهایی مثل آلمان کشورهای جنوب اروپا را در جنگ رها کرده‌اند؛ و شرایط مانند جنگ جهانی دوم است؛ بنابراین باید به آلمانی‌ها یادآوری کنیم که در پایان جنگ جهانی دوم اروپا و به‌ویژه ایتالیا و یونان که کشورهای فقیرتر و آسیب‌خورده‌تر از جنگ بودند، هم بیشتر بدهی‌های آلمان را بخشیدند تا آلمان‌ها بتوانند دوباره برخیزند. بی‌توجهی اروپا به شرایط خاص ایتالیا رفتار غیرانسانی است؛ چراکه ادامه بحران کرونا و بحران اقتصادی، نه‌فقط به ایتالیا؛ بلکه به کل اروپا ضربه خواهد زد. تورستن بنر، استاد علوم سیاسی دانشگاه برلین، در مصاحبه‌ای می‌گوید که فکر می‌کند رفتار اتحادیه اروپا و آلمان به اعتبار اتحادیه اروپا و خود برلین آسیب رسانده است. او در ادامه می‌گوید: اتحادیه اروپا نتوانسته است به طور مؤثر به ایتالیا که درحال حاضر بدترین آسیب را دیده است، کمک کند؛ تا حدی به‌این‌دلیل که خود ما نیز از شیوع ویروس کرونا متأثر هستیم و آمادگی خوبی نداریم؛ اما نضوری که ایتالیایی‌ها این روزها از ما دارند، بسیار ناراحت‌کننده و شرم‌آور است. بسیاری از افراد در آلمان از یک سرنوشت مشترک اروپایی صحبت می‌کنند؛ اما اگر شرایط سخت حاکم شود، به نظر می‌رسد که ما به شرکای خود

از همتای چینی خود تقدیر کرد. شانزدهم ماه مارس بود که شخص ترامپ با استفاده از ترکیب «ویروس چینی» این انکاره را به وجود آورد که دولت آمریکا دارد با این ویروس نژادپرستانه برخورد می‌کند. با این برخورد ترامپ، رسانه‌ها که پیش‌ازاین شاید برای اشاره به محل تولید این ویروس نام چین یا ووهان را کنار آن می‌گذاشتند، ترجیح دادند فعلاً وارد بازی جدید رئیس‌جمهور آمریکا نشوند و به همان ویروس کرونا بسنده کنند. استفاده از این ترکیب از سوی رئیس‌جمهور آمریکا تنها تبعات اجتماعی مانند حمله به نژادهای شرقی در این کشور نداشت؛ بلکه با مشروعیت‌دادن به چنین نگاهی مخاطرات اجتماعی و سیاسی آن را از کنترل خارج کرد. اگر کمی عمیق‌تر به نام‌گذاری این ویروس از سوی ترامپ نگاه کنیم، می‌توانیم دو هدفی را که احتمالاً از این طریق به دنبال آن است، مشخص دهیم: اول، منحرف‌کردن توجه‌ها از مدیریت فاجعه‌بار دولت او در مواجهه با کرونا و دوم، پنهان‌کردن این واقعیت که ناکامی‌های ترامپ ناشی از خودخواهی اوست؛ ویژگی‌ای که باعث شد او به‌سادگی طرف چینی را متهم به ارائه آمار غلط و وارد یک جنگ لفظی کند.

ترامپ به‌خوبی می‌داند که با راه‌انداختن چنین جنگی برای مدتی انتقادات را تنها به لحنش معطوف خواهد کرد؛ بلکه حامیان افراطی‌اش را هم برای همین مدت سرد ذوق خواهد آورد؛ اما نکته جالب این است که درست آن موقعی که ترامپ در حال تعریف و تمجید از مقامات چینی برای کنترل کرونا بود، مقامات اطلاعاتی آمریکا به او درباره غلط‌بودن آمار نهادهای چینی هشدار داده بودند. دقیق‌تر یعنی اینکه ترامپ می‌دانسته مشکلی در کار است؛ اما منظر زمان درست برای بهره‌برداری از این موضوع بوده است.

حالا ترامپ جنگی را که پیش‌تر در حوزه اقتصادی با چین راه انداخته بود، به حوزه اجتماعی سرایت داده است و در جلب توجه‌ها به آن موفق هم بوده. شاید اگر اکنون بر آتش این جنگ دمیده نمی‌شد، ترامپ باید در نکتزه درباره چرانی ناکافی بودن اقداماتش در مقابل شیوع کرونا در این کشور پاسخ می‌داد؛ اما نکته‌ا اکنون درحالی‌که هم‌زمان باید رفتارهای نژادپرستانه رئیس‌جمهور آمریکا را مورد مذاقه قرار دهد، باید در جبهه دیگری اتهام ترامپ علیه چین را پیگیری کند؛ اتهامی که در لافچه از سوی ترامپ مطرح شد و رئیس‌جمهور آمریکا در آن طرف چینی را متهم کرده است که ویروس کرونا حمله بیولوژیکی طرفی است که در جنگ اقتصادی در حال شکست بوده است. حالا دولت آمریکا ترجیح داده است به جای عمل‌کردن در میدان داخلی یک بازی سیاسی راه بیندازد تا بتواند دست‌کم از ایین ماجرا در کوتاه‌مدت با دوقطبی‌کردن شرایط در انتخابات بهره‌برداری کند.

این رویکرد نشان‌دهنده بارزترین نقطه‌ضعف حاکم بر دولت ترامپ است؛ رویکردی که حالا هم‌زمان با بروز بحران کرونا تشدید هم شده است: به جای حل مسئله اساسی، با اولویت‌دادن به اهداف سیاسی شخص رئیس‌جمهور بر دیگر نگرانی‌ها تنها شرایط را پیچیده‌تر کنند. حالا باید دید جنگ با چین با سوءاستفاده از یک همه‌گیری جهانی تا کجا به اولویت‌های رئیس‌جمهور آمریکا خدمت می‌کند.

تنش نظامی شدید نگران هستند و هشدار داده‌اند چنین اقدامی به‌شدت به بی‌ثباتی در خاورمیانه دامن می‌زند؛ آن‌هم در زمانی که آمریکا برنامه دارد تعداد نیروهای خود را در این منطقه کاهش دهد. **چین، جبهه‌دیگر جنگ**

تشن نظامی شدید نگران هستند و هشدار داده‌اند چنین اقدامی به‌شدت به بی‌ثباتی در خاورمیانه دامن می‌زند؛ آن‌هم در زمانی که آمریکا برنامه دارد تعداد نیروهای خود را در این منطقه کاهش دهد. **چین، جبهه‌دیگر جنگ**

تشن نظامی شدید نگران هستند و هشدار داده‌اند چنین اقدامی به‌شدت به بی‌ثباتی در خاورمیانه دامن می‌زند؛ آن‌هم در زمانی که آمریکا برنامه دارد تعداد نیروهای خود را در این منطقه کاهش دهد. **چین، جبهه‌دیگر جنگ**

روزنه

روحانی در جلسه هیئت دولت:

در طرح دوم فاصله‌گذاری اجتماعی ۳۰ درصد کاهش ابتلا داشتیم

● ایسنا: رئیس‌جمهوری، صبح ۱۳ فروردین در جلسه هیئت دولت با اشاره به طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، گفت: در طرح دوم فاصله‌گذاری اجتماعی ۳۰ درصد کاهش ابتلا داشتیم و طبق نظر کارشناسان هر دو طرح اول و دوم فاصله‌گذاری اجتماعی مفید بوده است. ما تلاش کردیم از تجربه همه استفاده کنیم؛ ولی خودمان را اسیر تجربیات دیگران نکردیم. حسن روحانی افزود: از همان اسفند بعضی‌ها طرح قرطبه چینی را پیشنهاد می‌کردند که معنای آن این بود که همه مغازه بسته، ماشین‌ها متوقف و در خانه‌ها بسته شود و غذای مورد نیاز ۲۴ساعته از سوی مأموران به داخل خانه‌ها انداخته شود. هیچ‌کس در دنیا این طرح را نپسندید و اجرا نکرد؛ چراکه مخصوص خود چینی‌ها بود و با توجه به شرایط در ایران امکان‌پذیر نبود.او افزود: طرحی که متخصصان مطرحی کردند و قدم به قدم اجرا کردیم و در این ۱۲ تا ۱۳ روز قدم‌های بیشتری برداشتیم و کار را هم مردم سخت‌تر کردیم، برای حفظ و سلامت همه مردم بود و ممکن است امروز سفر مردم یا حضور آنها در طبیعت با مشکل مواجه شده باشد؛ ولی این تصمیم برای سلامتی همه جامعه اتخاذ شده است و فعلاً تا ۲۰ فروردین همچنان ادامه خواهد داشت.

روحانی گفت: روز گذشته تصمیماتی گرفتیم که شاید کار را کمی سخت‌تر کند و هرکس مبتلا شد، باید به خود او خانواده‌اش و محل کارش اطلاع داده شود و اگر کسی تخلف کند، مشمول مجازات قانونی می‌شود. همه اینها برای این است که ما از این مرحله هم به‌خوبی عبور کنیم. او ادامه داد: اینها به خاطر بی‌ااستی که طراحی ما با توجه به تجربیاتی که از دوران جنگ داشتیم، بر بنای بدبینی شدید صورت گرفت و تصمیم‌گیری شد، به‌همین‌دلیل فروشگاه‌ها و انبارهای ما اکنون بر هستند. در این مدت دیدیم که کشورهای بزرگ و پرمدعا دچار مشکل شدند؛ اما ملت ما به خاطر انسجام، مدیریت خوب، فداکاری کادر پزشکی و همه نیروها دست به دست هم دادند و دچار مشکل چندانی نشدیم. روحانی افزود: این یک آزمایش بزرگ تاریخی بود که در تاریخ خواهد ماند و باید از همه مردم، مسئولان، نیروهای مسلح و غیرمسلح و حتی چهره‌های سیاسی با سلیقه‌های مختلف که به جز یک عدد کمکی همه با هم نبودا شدند، تشکر کنیم. ما نیاز نداشتیم مثل یک کشوری که اطلاعیه داد تا جناح‌های سیاسی فعلاً سکوت کنند. از این کارها بکنیم؛ چون همه مردم و جناح‌ها با بیداری خود کار بسیار بزرگی را انجام دادیم.

او با یادآوری تحریم‌های آمریکایی علیه ایران گفت: این یک فرصت تاریخی برای آمریکا بود که از این کار اشتباه خود عذرخواهی کند و تحریم‌ها را کنار بگذارد؛ چون در شرایط خاصی قرار داریم. اگر مثلاً از ۱۰ کشوری که با کرونا مبارزه می‌کنند، یک کشور مبارزه نکنند، دو مرتبه این ویروس پخش می‌شود و این یک کار جهانی است که همه باید در سطح دنیا دستت به دست هم بدهند و با این ویروس مقابله کنند؛ اما متأسفانه آمریکایی‌ها در این شرایط حاد و سخت جهانی هم درس عبرت نگرفتند؛ چراکه الان موقع خوبی بود از کار غلط خود عذرخواهی کنند و بهترین فرصت تاریخی بود که برای یک بار هم شده، بگویند ما ضد ملت ایران نیستیم؛ اما با ادامه‌دادن تحریم‌های خود امروز ضدیت‌شان با ملت ایران واضح‌تر شده است.

جهانگیری خیرداد:

پرداخت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به بخش‌های آسیب‌دیده

● ایسنا: معاون اول رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه هیئت دولت با اشاره به منابع ارزی و ریالی که باید برای نیازهای سال ۱۳۹۹ شود، گفت: به این نیازها مسئله اقتصادی بنگاه‌هایی را که به‌شدت آسیب دیدند، باید اضافه کرد. بخش‌های وسیعی از کشور هم در بخش خدمات هم تولید به دلیل محدودیت‌هایی که ما اعمال کردیم و در جاهایی هم که محدودیت اعمال نکردیم، شرایط طبیعی کرونا این بود که کارهای اقتصادی آنها ضعیف شود. چیزی در حدود صد هزار میلیارد تومان در ستاد اقتصادی هفته گذشته دولت تصویب شد که به صورت تسهیلات به آنها پرداخت شود.احساق جهانگیری افزود: از مردم خواهش می‌کنم اگر می‌آید یک یک کسی به یک شرکتی نیاز دارد؛ ولی تأمین نشده است. ما برای این افراد فکر کرده و برای سه میلیون نفری که هیچ جا مشغول نبوده‌اند و کارهای حاشیه‌ای داشته‌اند، اعتباری اختصاص داده‌ایم که هر ماه بین ۲۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان کمک کنیم تا زندگی اینها آسیب نبیند. این افراد اگر معرفی شوند؛ حتماً وزارت تعاون تحت پوشش قرار می‌دهد.